



شاهنامه پژوه نامدار از «نظامی» می گوید



تک نگاری های جلال خالقی مطلق درباره نظامی گنجهای در کتابی با عنوان «نظامی گنجهای» در راه است. به گزارش ایسنا، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار که اعلام کرده این کتاب را به زودی منتشر خواهد کرد، درباره آن نوشته است: این کتاب تک نگاری نویسنده درباره نظامی گنجه ای، بزرگ ترین سراینده منظومه های عاشقانه فارسی است. کتاب در ۹ بخش تدوین یافته است: «زندگی نامه»، «آثار»، «معلومات و تجربیات»، «اخلاق و بینش»، «ویژگی های زبان»، «شیوه بیان»، «نظامی و سرایندگان پیش از او»، «تأثیر نظامی بر آثار پس از خود»، «دست نویس ها، چاپ ها، تفسیرها، پژوهش ها و ترجمه ها». خالقی مطلق، ادیب و پژوهشگر و شاهنامه شناس ایرانی، متولد ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ در تهران است. او پژوهش های گسترده ای در حوزه ادبیات حماسی ایران و شاهنامه انجام داده و مهم ترین دستاوردش تصحیح شاهنامه فردوسی است که حاصل بیش از سی سال کار مداوم خالقی در گردآوری و بررسی کهن ترین دست نویس های شاهنامه و مقابله آن هاست.

یک زندگی نامه مشهدی برگزیده روزشی نویس ها!



کتاب زندگی نامه خداداد عزیزی برگزیده انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی شد. به گزارش ورزش سه، انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی ایران کتاب «تو خداداد عزیزی هستی، نوشته جواد رستم زاده» که به زندگی ستاره بزرگ

فوتبال ایران در دهه های قبل پرداخته، تقدیر و تحسین کرد. در مراسمی که در سالن همایش های ایوان شمس تهران و با حضور مسئولان کمیته ملی المپیک و سازمان لیگ برتر فوتبال و جمعی از اهالی رسانه و عکاسان و نویسندگان پیشکسوت ورزشی برگزار شد، دکتر عبدالحمید احمدی، رئیس انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی ایران، با رونمایی و معرفی کتاب «تو خداداد عزیزی هستی» به اهمیت ورود خبرنگاران ورزشی به عرصه کتاب اشاره کرد. او جای خالی این گونه آثار در ادبیات کشور را بستر خوبی برای فعالیت نویسنده ها در بیوگرافی نگاری شخصیت های ماندگار ورزش کشور بیان کرد. رستم زاده، نویسنده مشهدی این اثر، هم ضمن بیان چگونگی خلق آن و همکاری خداداد عزیزی برای انتشار کتاب زندگی نامه اش، این کتاب را نقشه راه مناسبی برای نسلی دانست که آرزوهای بزرگی در سر دارد. کتاب «تو خداداد عزیزی هستی» در طول سال اول انتشار به چاپ سوم رسیده است.



پرونده ویژه درباره نویسنده مشهور



پرونده ویژه شماره سوم مجله علوم انسانی «فکرآورد» با عنوان «نادر میهن» برای گرامی داشت نادر ابراهیمی منتشر شد. به گزارش مهر، از جمله مهم ترین مطالب این پرونده،

نامه ای منتشر نشده از نادر ابراهیمی خطاب به مدیر وقت دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری است که در آن از رنج نویسندگی گفته است. مصطفی رحماندوست نیز درباره به یادمانده هایش از همکار خود، نادر ابراهیمی، گفته است. در یادخانه ذهن رحماندوست، نادر، نویسنده ای است که جست وجوگر افتخارات ایران بوده است. بررسی داستان دیده نشده «تکثیر تأساف انگیز پدر بزرگ» نوشته ابراهیمی که تصویرنگاری یک پادشاه شهر مدرن محسوب می شود و بررسی معنای «عشق» در آثار این نویسنده، از دیگر مطالب این پرونده است.

همچنین در این شماره، یادداشتی تفصیلی با قلم دکتر علی اکادرقولی با عنوان «ناهنگونی نسلی و ناهمخوانی تحلیلی» آمده است که به نظریه نسل ها می پردازد و نسبت نسل Z و جوانان ایرانی را تبیین می کند. گفت وگوا با غلامحسین مقدم حدیری، نویسنده کتاب «انسان به منزله ابرو دانش» و یادداشت مارک جی. ای. کلی با ترجمه مهدی پنجعلی پور درباره منازعات فکری آلتوسر و فوکو در زمانه خود و... دیگر مطالب این شماره است.

دکتر حسن بلخاری در نشست «نگره های زیبایی شناختی در فرهنگ رضوی» در مشهد بیان کرد

حقیقت وقتی اثرگذار است که آغشته به زیبایی باشد



عکس: احمد حسینی شهباز

ذاتی با هنر دارد. اما حضور این زیبایی منوط ومشروط است به رعایت برخی جذابیت ها. حالا اگر برگردم سراغ همان روایت حضرت رضا^ع روشن می شود که چرا حضرت فرمودند: «اگر مردم زیبایی های گفتار ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند». زیبایی های کلام سه جور ظهور می کنند: یک، زیبایی معنا، دو، زیبایی ساختار، سه، زیبایی صنایع. هر جای جهان باشید اگر حقیقتی منطبق با روح شما بیان شود احساس لذت می کنید. لذت جنس زیبایی است. لذت محصول زیبایی است. اولین وجه محاسن این است که حقایق و معانی و مفاهیم زیبا در جان انسان لذتی را برمی انگیزاند. منظور امام رضا^ع این است که در عمق کلام ما حقیقت نهفته است و حقیقت را هر کسی هر کجای جهان بشنود - اگر حقیقت باشد - در او اثرگذار است. به همین دلیل، رمان های بزرگ جهان را که می خوانید لذت می برید و عینک مسلمانی و غیرمسلمانی به چشمانم نمی گذارید. وجه دوم استفاده از کلمات متناسب و مناسب است. این ویژگی خیلی هم قابل تحصیل نیست، ذوق می خواهد. حافظ بنا به ذوق حافظ است. فوق العاده مهم است که در بیان معانی زیبا از الفاظ زیبا استفاده کنید. چون در هنر دینی و هنر اسلامی و اصولا هنر شرق، ما یک اصل بنیادین داریم که این

فرق خیال و تخیل این است که در خیال صور ثبت و ضبط می شود در تخیل ترکیب می شود. ابداع اینجا آغاز می شود، شاعر اینجا شاعر و هنرمند اینجا هنرمند و رمان نویس اینجا رمان نویس می شود

است: یک نسبت ذاتی میان فرم و محتوا وجود دارد. این نسبت جوهری است. شمانمی توانیدهر محتوایی را در هر فرمی قرار بدهید. آثاری ماندگارند که نقطه کلیدی توازن میان فرم و محتوا را رعایت می کنند. بنابراین کسانی که مطلق بروند سراغ محتوا، زبانشان الکن و کسانی که مطلق بروند سراغ فرم، معنا در آثارشان الکن است. نقطه طلایی، تلفیق دوسویه فرم و محتواست. وجه سوم استفاده از صنایع ادبی است. مثل تمثیل، تشبیه و... هنرمند باید خدای تشبیهها و تمثیل ها باشد. مخاطب به بیان مستقیم خیلی توجه ندارد. مثال: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو قدرت تشبیه حافظ در این بیت بی نظیر است. باید در کلام مقدس قصه و تمثیل وجود داشته باشد، و می دانید که یکی از صفات خداوند در قرآن، قصه گو است. کسی که این محاسن را رعایت کند، کلامش اثرگذار است و حضرت رضا^ع هم در کلامشان این ها را داشتند.

از خیال تخیل است. خیال یکی از قوای نفس است که چون به وقایع و اشیا می نگرد صورتی از شیء را در خودش ثبت و ضبط می کند و بعد به یادش می آورد. اما تخیل این نیست. کار تخیل تصرف در صور است. هنر اینجااست (و اولین کسی که مرز بین خیال و تخیل را فهمید، ابن سینا بود که در کتاب شفا به آن اشاره کرد). تخیل بزنگاه مطلق بروز هرگونه اثر هنری و ادبی است. پویسیس یعنی این. فرق خیال و تخیل این است که در خیال صور ثبت و ضبط می شود در تخیل ترکیب می شود. ابداع اینجا آغاز می شود، شاعر اینجا شاعر و هنرمند اینجا هنرمند و رمان نویس اینجا رمان نویس می شود. تخیل جوهر هنر است. فرق مورخ و شاعر در همین قوه تخیل است. فرق هنرمند و غیرهنرمند در همین قوه تخیل است. قوت هنرمند در نگاهش است و این نگاه ریشه در تخیل دارد. هنگامی که شما صور عادی را برمی دارید و در هم می آمیزید و صورت های جدید ابداع می کنید کار هنری کرده اید. ارسطو وقتی می گوید پویسیس، منظورش قوه ابداع است نه تقلید. و اگر هنر و ادبیات وارد حوزه ابداع نشود، الکن و عقیم و سترون است. به همین دلیل هنرمندان مؤلف کسانی هستند که قوه تخیل قوی دارند. از دیدگاه ارسطو، هر که تخیل خود را به کار اندازد و شعر بگوید، نقاشی بکشد یا هر اثر هنری و ادبی ای خلق کند، پویتیک دارد. اثر هنری و ادبی ذاتش ابداع است و ابداع یعنی شعر. ارسطو می گوید به این معنا تفاوتی میان شاعر و مورخ وجود دارد چون مورخ از وقایعی سخن می گوید که اتفاق افتاده و تمام شده است اما شاعر نمی تواند واقعه را به همان صورت روایت کند، او باید روایت را به نحو امکانی بیان کند، نه اثباتی.

اهمیت کاتارسیس در هنر در بیان قصه یک منطقه الفراق وجود دارد. یعنی شما واقعیت ها را از تاریخ جمع آوری کن. اما در قصه ای که داری می آفرینی و می سازی، مناطق خالی را با تخیل پر کن. و این تخیل باید به تو اجازه دهد که بقیه داستان خیلی ساده و روشن بیان شود. اگر تخیل را از هنرمند و ادیب بگیرید، هنر و ادبیت را از او گرفته اید. جنس هنر و ادبیات تخیل است. بیان امر واقع همان طور که رخ داده هیچ کاتارسیسی [تهدیب و تزکیه ای] در مخاطب ایجاد نمی کند، شاعر از قوه پویسیس استفاده می کند و همان روایت را به گونه ای بازگو می کند که مخاطب یقین کند اگر کنش روایت شده را انجام دهد، عین همان بلا سرش می آید. کاتارسیس این طور ایجاد می شود. شکسپیر کاری می کند که وقتی خواندن اثرش یا [اگر به تئاتر و فیلم تبدیل شده باشد] دیدنش تمام شد مخاطب با

هر مَثَل، حکایتی است

درباره مجموعه «مَثَلک» که کودکان را با ضرب المثل های فارسی آشنا می کند



به دلیل گسترش ارتباطات و رسانه ها و شبکه های اجتماعی متعدد، کودکان و نوجوانان ما با هجوم واژه های بیگانه روبه روهستند که زبان گفتاری و نوشتاری آن ها را تهدید می کند. بدیهی است آشنا کردن بچه ها با ضرب المثل ها و استفاده از آن در یادداشت زبان فارسی یکی از وظایف نویسندگان

می تواند یک بیت شعر یا فقط یک مصراع شعر یا جمله ای معروف باشد. بسیاری از این داستان ها از یاد رفته است و پیشینه برخی از امثال بر ما روشن نیست، اما دانستن اینکه این مثل ها از کجا نشئت گرفته و چه حکایتی در پس آن ها نهفته است، امروزه می تواند برای کودک و نوجوان جذاب باشد. امروزه



«آش نخورده و دهان سوخته»!، خودکرده را تدبیر نیست!، یک کلاغ و چهل کلاغ!، آستین نو، بخور پولو!، استخوان لای زخم گذاشتن!، شتر دیدی، ندیدی!، این ها بخشی از مثل هایی است که در مجموعه کتاب «مَثَلک» برای کودکان آمده است. به گزارش تسنیم، این عبارات آن قدر برای ما عادی و آشناست که گاهی فراموش می کنیم هر کدام ضرب المثلی معروف است و قصه یا حکایتی پندآموز در پس آن ها نهفته است. زبان فارسی و به ویژه ادبیات شفاهی و عامیانه ما سرشار از حکایت ها و ضرب المثل های آموزنده است. همه ما برای اینکه منظور خود را بهتر و سریع تر بفهمانیم، کما بیش در گفت وگوهای روزمره یا نوشته هایمان از ضرب المثل ها استفاده می کنیم و درواقع این مثل ها با زبان محاوره و معیار ما آمیخته و عجین شده است.

ضرب المثل هویت زبان فارسی است می توان گفت ضرب المثل شناسنامه و هویت زبان ماست، سخن کوتاه و مشهوری که به ما اجرا یا قصه ای عبرت آموز اشاره می کند و جای توضیح بیشتر را می گیرد. ضرب المثل

کتاب- مجله برای آموزش مثل ها

بوکازین یکی از محصولات نسبتا جدید در حوزه نشر و ترکیبی از کتاب و مجله است. تصویرگری و صفحه آرایی خاص و پرداختن به یک موضوع ویژه از ویژگی های آن است. در مجموعه مَثَلک «افسانه شعبان نژاد» که از نویسندگان و شاعران مطرح و شناخته شده حوزه کودک و نوجوان است تعدادی از ضرب المثل ها را انتخاب و داستان یا حکایت مربوط به آن را با زبانی ساده و قابل درک برای مخاطب روایت کرده است. این داستان های شیرین و پندآموز علاوه بر اینکه رگه هایی از طنز و فکاهه دارد و سرگرم کننده است، به صورت غیرمستقیم برخی از نکات رفتاری و مهارت های زندگی و شیوه های ارتباط را به مخاطب می آموزد. تصویرهای طنزآمیز و اخلاقانه هم چاشنی این حکایت ها شده و لذت خواندن آن را برای کودک دوچندان کرده است. حکایت های این مجموعه را می توان به صورت قصه نیز برای بچه ها اجرا کرد. مجموعه سه جلدی «مَثَلک» با تصویرگری سازناز کریمی طاری برای کودکان گروه سنی الف و ب (دوره اول و دوم دبستان) منتشر و روانه بازار شده است.